

ذره یین

روایت رشیدی کوچی از مواجهه دولت با بودجه برخی نهادها

کاش پزشکيان ايستادگي در مقابل قانون حجاب را در مورد چيزهاي ديگر هم داشت

برخی نهاد‌های فرهنگی جز ایجاد تنفر خروجی دیگری ندارند

یک نماینده پیشین مجلس در خصوص لزوم تجدیدنظر در تخصیص بودجه برای برخی نهاد‌های بی‌نتیجه اظهار داشت: به نظر من، آقای پزشک‌یان باید شجاعت این موضوع را داشته باشند که بودجه ارگان‌ها و بنیادهای فرهنگی را حذف کنند و بودجه‌ای که از این محل آزاد می‌شود را در اختیار جاهایی قرار دهند که واقعا درد مردم را حل می‌کند و به رفع مشکلات آنهاکمک می‌کنند. البته قطعاً وقتی ما این موضوع را مطرح کنیم، ممکن است رئیس‌جمهور محترم بگویند که مجلس اجازه انجام این کار را نمی‌دهد، اما بالاخره ایشان برای نشان دادن حسن نیت خود باید این کار را انجام دهند، که من فکر می‌کنم هیچ‌وقت این کار را انجام ندهند. خبرنگارلاین نوشت: جلال رشیدی کوچی گفت: بعید می‌دانم آقای پزشک‌یان این کار را انجام دهد، اما ای کاش حتی به‌صورت نمادین هم که شده، چند مورد از این بودجه‌ها را حذف کند. ضمن اینکه حذف این بودجه‌ها خیلی به دولت آقای پزشک‌یان کمک می‌کند؛ هرچند که خیلی آمیدی به این موضوع ندارم و بعید می‌دانم این اتفاق بیفتد. وی افزود: باید تأکید کرد که درباره قانون عفاف و حجاب آقای پزشک‌یان واقعا ایستادگی کردند. کاش برای بقیه چیزها هم همین‌طور ایستادگی می‌کردند؛ توقع و انتظار ما از آقای پزشک‌یان همین بود. غیر از این هم نبود، اما فقط می‌بینیم که در مورد قانون عفاف و حجاب این اتفاق افتاد. ضمن اینکه اسراف‌کردن فقط مربوط به مصرف آب، برق و گاز نیست. وقتی یک نهاد، بنیاد یا ارگان داریم که نه فقط هیچ خرجی ندارد، بلکه با عملکرد نامناسبی نسبت به دین و ارزش‌های جامعه ایجاد تنفر می‌کند، پول دادن به اینها حکم همان اسراف است. شما هزینه می‌کنید و بودجه در اختیارشان قرار می‌دهید که تأثیر مثبت داشته باشند؛ اما هیچ تأثیری ندارند که اتفاقاً تأثیر منفی هم دارند. پس برای چه باید به آنها پول بدهید؟ این به نظر من حکم اسراف دارد.

موانع را شفاف به مردم بگویند

نماینده مروودشت در مجلس یازدهم در خصوص مخالفت رئیس‌جمهور با بودجه برخی نهاد‌ها بیان کرد: دیگران زمانی‌که رئیس‌جمهور می‌آمد و اعتراض می‌کرد، گذشت. آقای پزشک‌یان آدم باتجربه‌ای است؛ چندین دوره نماینده مجلس بوده و خودش این تذکرات را به رئیس‌جمهورهای قبلی می‌داد که «آقا، شما که می‌دانستید برای چه آمدید؟ شما اگر اختیار نداشتید برای چه آمدید؟» الان خودشان دارند همین صحبت‌ها را می‌کنند و بنابراین اصلاً پذیرفته نیست. حتی اگر اختیار و قدرتی هم ندارند، نباید به این شکل اعتراض کنند؛ باید بیابند شفاف، صریح و صادقانه به مردم بگویند. باید اعلام کنند «بیخشید، من در این موارد نمی‌توانم این کارها را انجام دهم». مگر خودشان قول ندادند و نگفتند اگر نتوانیم به وعده‌های خود عمل کنیم کناره‌گیری می‌کنیم و گردن‌مان را اگر می‌گذاریم؟ الان که نمی‌گذارند به وعده‌هایشان عمل کنند، شفاف بیابند به مردم بگویند و اسم ببرند. دیگر چیزی از این بالاتر نیست. رشیدی کوچی اظهار کرد: به نظر من این ادبیات دیگر امروز در جامعه پذیرفته نیست که رئیس‌جمهور باید بگوید «من هم با فیلترینگ خیلی مخالف هستم». شمارئیس شورای عالی امنیت ملی و رئیس شورای عالی فضای مجازی هستید. شما که مخالفید، ما هم که مخالفیم، مردم هم که مخالف هستند، تو هم که رئیس‌جمهور ما هستی و به‌تو‌رای داده‌ایم که بروی فیلترینگ را جمع کنی؛ یکی از وعده‌های اصلی‌ات هم بود. حالا اینکه بیایی بگویی «من هم مخالف هستم»، قشنگ نیست؛ به نظر من زبینه‌ده نیست، و مردم هم دیگر امروز این را نمی‌پذیرند. وی در خصوص دستور رئیس‌جمهور برای سیاه کردن خطوط سفید تصریح کرد: این دستور خیلی خوبی بود. من ادبیات آقای رئیس‌جمهور مقداری مشکل دارم. اما اتفاقاً اینکه خط‌های سفیدی که خارج از ضابطه در اختیار قرار گرفته بود جمع‌آوری یا حتی قطع شود خیلی خوب است؛ البته که سیم‌کارت فیزیکی نبودند بلکه فیلترینگ از روی خطوط موجود برداشته شده بود. اماکاش آقای رئیس‌جمهور می‌آمد به مردم می‌گفت که «دستور دادم خط‌های بقیه را هم سفید کنند؛ خط همه ملت ایران است، اما اگر من جای او بودم، این ادبیات را به کار می‌بردم و این دستور را می‌دادم که خط همه سفید شود، نه اینکه فقط یک عده خاص خط سفید داشته باشد. این، همان وعده رئیس‌جمهور بود که اینترنت را برای مردم آزاد می‌کند.

یکشنبه

۱۴۰۴ ۰۹ ۲۳

۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۱۴ دسامبر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۲۷۶

«آرمان ملی» مواجهه حاکمیت و جامعه را بررسی می‌کند

دومینوی استعفادر دولت

رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری استعفا داد



رسانه‌ها اینگونه آورده‌اند که «عارف از محدود شدن نقش خود و تصمیم‌گیری‌های خارج از حلقه معاون اولی گرایه‌مند است» اما با وجود تکذیب‌ها مشخص است که اختلافی در حلقه اول رئیس‌جمهور وجود دارد. اتفاقی که ما به ازای آن را در دولت روحانی میان اسحاق جهانگیری و محمود واعظی در جایگاه معاون اول و رئیس دفتر رئیس‌جمهور شاهد بودیم. حال نیز بسیاری این ما به ازارا در اختلاف میان محمدرضا عارف، معاون اول و محمد جعفر قائم‌مینه معاون اجرایی رئیس‌جمهور دنبال می‌کنند و معتقدند عارف به دلیل ایل اختلاف به دنبال استعفای از دولت است. هر چند که با توجه به طرح استیضاح چند وزیر از دولت برخی احتمال استعفای وزرای راه و شهرسازی و کاررانیز مطرح می‌کنند.
امادر تازه‌ترین تحولات روزگزشته شاهد استعفای دیگری در دولت بودیم. چنانکه ریاست مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری در انتشار توثیقتی از سمت خود استعفا داد. محمدرضا جواد ی گانه در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: استعفا دادم. دسته‌بندی مشکلات مردم، پیگیری مطالبات آنها از دستگاه‌های اجرایی، و تلاش برای حل بخشی از آن؛ فرصت ارزشمندی بود که ادامه آن به دلایل متعدد ممکن نشده». این استعفا نشان داد که جواد ی گانه نیز شرایط را برای ماندن و ادامه همکاری مساعد ندیده و از سویی دولت پزشک‌یان نیز با مساله عدم انسجام مواجه است.
قدر مسلم رئیس‌جمهور باید برای این مهم نیز فکر عاجلی کند. چراکه هر از چندی استعفای یک مقام دولتی خبر چندان خوشایندی نیست و حتی شایعه‌ها در این مورد می‌توانند به بحران اعتماد عمومی دامن بزنند.

انتظار جامعه

انتظار جامعه از رئیس‌جمهور منتخب خود این بود که در

«آرمان ملی» دستور اقتصادی دولت را بررسی می‌کند

اقدامات کم‌تاثیر معیشتی

کمال‌الدین پیرمژدن: وضعیت معیشتی اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد



در این ایام انتظار می‌رود به روال گذشته کالاهارا باقیمت مناسب در اختیار اصناف قرار دهند و اصناف محترم هم مانند مناسبت‌های گذشته، کالاهارا مورد درخواست مردم را با سودی عادلانه عرضه کنند. او هم چنین به نهادهای نظارتی از جمله اتاق اصناف، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سازمان تعزیرات هم دستور داد که ضمن افزایش نظارت، با محدود فروشندگان که رعایت شرایط و ضوابط را نمی‌کنند، برخورد قاطعی کنند تا آن‌ها... هم وطنان عزیز، سیاسی-اقتصادی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

نیاز به تصمیمات جدید اقتصادی

کمال‌الدین پیرمژدن، تحلیلگر مسائل سیاسی و عضو پیشین کمیسیون‌های اقتصادی مجلس شورا در مورد آخرین روند

حوزه مسائلی که وعده داده شده به‌ویژه شرایط اقتصادی و معیشتی وضعیت بهتری را نسبت به گذشته شاهد باشیم. اما شوربختانه امروز شرایط اقتصادی بسیار بغرنج شده و تورم ایجاد شده بر کالاهای اساسی تأثیر گذاشته است. چنانکه مردم برای خرید مایحتاج روزانه خود نیز با مشکل مواجه‌اند و با اما و اگر خرید می‌کنند. نگاهی به قیمت اجناس و کالاهای کافی است تا متوجه شویم شرایط از چه قرار است. در حوزه بازار سرمایه نیز افزایش لجام‌گسیخته قیمت ارز، سکه و طلا نشان از عدم مدیریت و برنامه‌ریزی حداقل از سوی بانک مرکزی دارد. چراکه سکه ۱۲۷ میلیون، طلای گرمی ۱۲ میلیون دلار ۱۲۸ هزار تومان هیچ جای توجهی ندارد. جالب اینکه برخی کسانی از دولت استعفا می‌دهند که عملکرد انتقادآمیزی نداشته‌اند؛ اما جالب اینکه شخصی مثل محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در چنین شرایط بحرانی سفت و محکم سر جای خود ایستاده و حتی صحبت از استعفا یا حداقل عذرخواهی او نیست. نکته مهم رویکرد تندرهای مجلس امثال امیرحسین ثابتی، حمید رسایی و مهدی کوچک‌زاده است که آنها نیز در بروز چنین شرایطی بی‌تأثیر نیستند. به بهانه کمک به دولت، افزایش قیمت ارز به ۸۰ هزار تومان و باسیاسی‌کاری همتی را با استیضاح از قطار دولت پیاده کردند و حال امروز باید پاسخ‌گو باشند که اگر مشکل همتی بود چرا قیمت ارز به جای کاهش افزایش داشته و از کانال ۸۰ هزار تومان به ۱۳۰ هزار تومان نزدیک شده است؟ نتیجه این برخورد‌های سیاسی شرایط بغرنج‌کنونی است. جای تاسف اینکه هیچکسی نیز از شرایط به‌وجود آمده عذرخواهی نمی‌کند و این مردم هستند که باز هم زیر بار فشار تصمیمات غلط اتخاذ شده می‌روند. شاید اگر دولت شفاف و پاسخگو دلایل بروز شرایط فعلی و موانع پیش را می‌گفت و مجلس نیز بدون نگاه سیاسی صرفاً کارآمدی افراد را در نظر می‌گرفت امروز شرایط بهتری را شاهد و ناظر بودیم.

سیاست

گزارش

اصل ۸۵ و چالش قانون‌گذاری خارج از مجلس

آیا مجلس هنوز در راس امور است؟

اصل هشتاد و پنج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اصول کلیدی در تعیین حدود و ثغور وظایف قوه مقننه است. خبرنگارلاین نوشت: بر اساس این اصل، «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض نماید». این اصل، به‌وضوح بر انحصار قانون‌گذاری در دایره مجلس تأکید دارد و راه هرگونه انتقال اختیار قانون‌گذاری به بیرون از مجلس را می‌بندد. با وجود این، روند حکمرانی در سال‌های اخیر و افزایش نقش نهادهای فراقانونی و شورا‌های عالی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، موجب شکل‌گیری این پرسش شده است که آیا مجلس همچنان در «راس امور» قرار دارد؛ عبارتی که برای دهه‌ها، توصیف رسمی جایگاه مجلس در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بوده است، چگونه حال‌در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؟

مجلس: تنها نهاد قانون‌گذار؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس رایگانه نهاد قانون‌گذار کشور معرفی می‌کند. در کنار مجلس، شورای نگهبان نقش نظارت شرعی و قانونی دارد و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تنها در شرایط اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان، آن هم در چارچوب اصل ۱۱۲، حق داوری دارد. اما این تصویر کلاسیک با واقعیت امروز ساختار حکمرانی فاصله چشمگیری پیدا کرده است. شورا‌های عالی متعدد، کارگروه‌های بین‌قوه‌ای، ستادهای ویژه و نهادهای سیاست‌گذار و حتی جلسات روسای قوادر سال‌های اخیر نقشی ایفا کرده‌اند که اغلب فراتر از سیاست‌گذاری و دارای همپوشانی جدی با مفهوم قانون‌گذاری بوده است. علی‌مطهری، نماینده پیشین و نایب‌رئیس اسبق مجلس، از جمله منتقدانی است که به صراحت نسبت به گسترش دامنه اختیار نهادهای غیرقانون‌گذار هشدار داده است. او در مطلبی نوشت: «معلوم نیست مجمع تشخیص طبق کدام اصل از اصول قانون اساسی این حق را برای خود قائل شده است که مصوبه مجلس را تغییر بدهد و اصلاح کند. مجمع طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی صرفاً حق داوری میان نظر مجلس و شورای نگهبان را دارد و باید یکی از آن دو را انتخاب کند و حق هیچ‌گونه دخل و تصرفی در مصوبه مجلس را ندارد». این انتقاد، تنها یکی از نمونه‌های اعتراضاتی است که طی سال‌های گذشته نسبت به فرایند تصمیم‌گیری در نهادهایی خارج از مجلس مطرح شده است؛ اعتراضاتی که با افزایش نقش شورا‌های عالی تقویت شده اما حرکتی در جهت اصلاح آن انجام نشده است.

قانون‌گذاری پنهان

ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی مجموعه‌گسترده‌ای از «شورا‌های عالی» را در خود جای داده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و ده‌ها شورای دیگر هر یک وظایف رسمی دارند که از سیاست‌گذاری و هدایت راهبردی تا تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات را شامل می‌شود. نکته کلیدی اینجاست که این شورا‌ها، در موارد متعدد، تصمیماتی اتخاذ کرده‌اند که در عمل جنبه قانون‌گذاری داشته‌اند؛ تصمیماتی که نه توسط مجلس وضع شده‌اند و نه فرایند مشخصی قانون‌گذاری را طی کرده‌اند اما در لیست بلندبالای قوانین کشور قرار گرفته و بر زندگی و سرنوشت ایرانیان تأثیرگذار بوده‌اند.

مساله فیلترینگ

یکی از چالش برانگیزترین بحث‌ها در سال‌های اخیر موضوع قانون‌گذاری در حوزه فیلترینگ بوده است. شورای عالی فضای مجازی طی سال‌های گذشته عملاً متولی سیاست‌های کلان اینترنت در کشور شده است؛ سیاست‌هایی که گاه مرز میان «مقررات‌گذاری» و «قانون‌گذاری» را از میان برده است. مذاکرات، مصوبات و تصمیماتی چون محدودیت‌های گسترده اینترنت یا فیلترینگ پلتفرم‌ها، در حالی اتخاذ می‌شوند که مجلس به‌صورت رسمی، نقش چندان در این فرایند ندارد. منتقدان می‌گویند اعمال چنین محدودیت‌هایی بدون تصویب قانون، خلاف صریح اصل ۸۵ قانون اساسی است چراکه تصمیمی با پیامدهای عمومی و گسترده، باید در نهاد قانون‌گذار به بحث گذاشته شود. درباره گشت ارشاد نیز بحث مشابهی مطرح است. هرچند وزارت کشور و نیروی انتظامی مجریان طرح بوده‌اند، اما طراحی و چارچوب‌های سیاسی آن بر اساس مصوبات شورای عالی فضای فرهنگی شکل گرفت. از نگاه منتقدان، این فرایند نه تنها قانون‌گذاری خارج از مجلس بوده، بلکه مسئولیت‌پذیری نهادهای رسمی رانیز تضعیف کرده است. در زمان اجرای طرح نور و بیش از آن همواره این بحث در محافل سیاسی و اجتماعی مطرح بود که پشتوانه قانونی اجرای این طرح با حواشی زیاد چیست و وقتی مجلس چنین مصوبه‌ای نداشته هم بحث مشروعیت قانونی زیر سوال است هم فقدان امکان نظارت مجلس مشکل‌سازی می‌شود.

بزنین ۳۰۰۰ تومانی

یکی از بارزترین نمونه‌هایی که به‌روشنی نشان می‌دهد برخی تصمیمات فراتر از ظرفیت‌های تعریف‌شده در قانون اساسی اتخاذ می‌شوند، تصمیم آبان ۹۸ درباره قیمت بزنین است. افزایش ناگهانی قیمت بزنین به ۳ هزار تومان، از دل جلسات سران قوا بیرون آمد؛ شوایبی که اساسا برای مدیریت شرایط تحریمی تشکیل شد، اما تصمیماتی در سطح قوانین اقتصادی کشور گرفت. این اقدام، نه در مجلس تصویب شد و نه نمایندگان درباره آن اظهارنظر رسمی ی‌رای‌گیری انجام دادند. همین موضوع پرسش‌هایی اساسی درباره کارکرد و جایگاه مجلس ایجاد کرد. استقرار شورا‌های عالی و نهادهایی که در عمل بخشی از اختیارات قانون‌گذاری را تصاحب کرده‌اند، نه تنها چالش‌های حقوق اساسی ایجاد کرده، بلکه جایگاه مجلس به‌عنوان نماد اراده عمومی رانیز تضعیف کرده است. اصل ۸۵ به‌وضوح تأکید دارد که قانون‌گذاری باید در مجلس انجام شود؛ اما تجربه‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از قواعد اساسی کشور در راسد و هدفمند تدوین و اجرامی شوند. تداوم این روند، نه تنها شفافیت و پاسخگویی را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به تمرکز قدرت در قوه مجریه و شکل‌گیری رفتارهای انحصارگرایانه و مستبدانه منجر شود. به همین دلیل، باگشت به روح قانون اساسی و تقویت کارکردهای واقعی مجلس، ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.